

مجمع عرفان

دوره یکصد و سوم

گلگشتی در مبادی معتقدات

و

آثار مبارکه بهائی



۲ تا ۸ جولای ۲۰۱۱

مرکز مطالعات بهائی

آکوتو، ایتالیا

مجامع عرفان

تشکیل مجامع عرفان به منظور ترویج و تقویت مطالعه و تحقیق در آثار مقدسه ادیان الهی و اصول معتقدات بهائی در سال ۱۹۹۳ آغاز شد. این مجامع همه ساله به طور جداگانه به زبان های فارسی، انگلیسی و آلمانی در اروپا (ایتالیا و آلمان) و در آمریکای شمالی (در مدرسه بهائی لوهلن در ایالت میشیگان و در مدرسه بهائی بوش در ایالت کالیفرنیا) برگزار می شود. برنامه جلسات مجمع عرفان شامل سخنرانی ها و ارائه مقالات تحقیقی، مطالعه تفصیلی و تحلیلی آثار مبارکه بهائی، بحث و مشورت، برنامه ریزی و همکاری در مطالعات امری و استفاده از نغمات موسیقی و آواز و نمایش فیلم است. مقالات تحقیقی که در مجمع عرفان (به فارسی) ارائه می شود؛ در دفترهای سفینه عرفان درج و نشر می شود. سفینه عرفان هم چنین محتوی الواحی است که قبلاً طبع و نشر نشده و منابع و مراجعی است برای مطالعات امری.

برای کسب اطلاع در باره هدفها، برنامه ها و انتشارات مجمع عرفان به تارنمای www.irfancolloquia.org رجوع کنید.

طوبى لمن تفكر فى ما نزل فى كتاب الله المهيمن القيوم

مجمع عرفان
دورة يكصد وسوم

٢ جولای تا ٨ جولای ٢٠١١
مرکز مطالعات بهائی، اکوتو، ایتالیا

شنبه ٢ جولای ٢٠١١

ورود و نام نویسی

شام ١٨ : ٠٠

افتتاح برنامه

٢٠ : ٠٠ تلاوت مناجات و آثار مبارکه

٢٠ : ١٠ خیر مقدم

٢٠ : ١٥ معرفی شرکت کنندگان

٢٠ : ٢٠ گزارش مجمع عرفان و آغاز برنامه

ایرج ایمن یک صدمین سالگرد اسفار و خطابات حضرت عبدالبهاء

بزم عرفان ٢٠ : ٠٠

یک شنبه ٣ جولای ٢٠١١

٧ : ٣٠ صبحانه

٩ : ٠٠ نیایش و اعلام برنامه

٩ : ١٥ چهارمین سخنرانی یادبود دکتر منوچهر سلمان پور

فریدالدین رادمهر آفتاب خوبان : تفسیر سوره الشمس

١٠ : ١٥ تنفس

مراکز فروش و توزیع انتشارات عرفان

Bahá'í Distribution Service (BDS)
415 Linden Ave., Wilmette, IL 60091-2886, USA
Fax: (847)425-7951 Tel.: (847)425-7950
E-mail: BDS@usbnc.org

Bosch Bahá'í School, Bookshop
500 Comstock Lane, Santa Cruz, CA 95060-9677
Fax: (831) 423-7564 Tel.: (831) 423-3387
E-mail: bosch@usbnc.org

Reyhani Verlag, Benzweg 4, 64293 Darmstadt, Germany
Tel: 49-6151-95170, Fax: 49-6151-9517299,
E-Mail: druck@reyhani.de

Bahá'í Verlag, Eppsteiner Str. 89, D-65719, Hofheim,
Germany,
Te.l: (49) 6192-22921* Fax: (49) 6192-22936
and E-mail: office@bahai-verlag.de;

	تنفس	۱۸:۰۰
شهلا مهرگانی	بررسی تطبیقی مفاد جواهر الاسرار و کتاب ایقان	۱۸:۱۵
	شام و وقت آزاد	۱۹:۱۵
	بزم عرفان	۲۰:۳۰

سه شنبه ۵ جولای ۲۰۱۱

	صبحانه	۷:۳۰
	نیایش و اعلام برنامه	۹:۰۰
فریدالدین رادمهر	دیدار دلدار: مباحث عرفانی در لوح حکمت	۹:۱۵
	تنفس	۱۰:۱۵
حبیب ریاضتی	مفهوم رحیق مختوم در آثار حضرت نقطه اولی	۱۰:۳۰
	نغمات عرفان	۱۱:۳۰
	تنفس	۱۱:۴۵
فاروق ایزدی نیا	به درگاه پروردگار با سینه خالی از خواهش و آرایش	۱۲:۰۰
	ناهار و وقت آزاد	۱۳:۰۰
	گردش در شهر	
	شام و وقت آزاد	۱۹:۱۵
	بزم عرفان	۲۰:۳۰

چهارشنبه ۶ جولای ۲۰۱۱

	صبحانه	۷:۳۰
	نیایش و اعلام برنامه	۹:۰۰
شاپور راسخ	سبک سخن حضرت عبدالبهاء در خطابات	۹:۱۵
	تنفس	۱۰:۱۵
فاروق ایزدی نیا	ندای رب البریه به ملکه	۱۰:۳۰
	نغمات عرفان	۱۱:۳۰
	تنفس	۱۱:۵۴

وحید رأفتی	مفاهیم فلسفی در خطابات حضرت عبدالبهاء	۱۸ : ۱۵
	شام و وقت آزاد	۱۹ : ۱۵
	جلسه پایانی دوره یک صد و سوم مجمع عرفان	۲۰ : ۳۰
	بزم عرفان	۲۱ : ۰۰

جمعه ۸ جولای ۲۰۱۱

گردش گری دسته جمعی (برنامه اختیاری)

هماهنگ کننده : حاجی روشنیان

هماهنگ کنندگان بزم عرفان: فاروق ایزدی نیا و ناصر رئوفی

مجریان آهنگها: منوچهر وهمن، بهنام روحانی فرد، بهمن

پیمانی و سعید میرزازاده

هدایت به صراط مستقیم

بحثی درباره «اهدنا الصراط المستقیم»

ابوالفضل انصاری

چکیده‌ای از آنچه با عنوان «اهدنا الصراط المستقیم» خواهید شنید، شرح مختصری از آیات انتهایی سوره حمد است که پیروان حضرت رسول روزانه در نماز می‌خوانند.

عظمت این سوره را از فرمان جمال‌قدم به غصن اعظم مبنی بر این‌که تفسیری بر این سوره بنگارند، می‌توان دریافت. در امثال این فرمان بود که آن حضرت تفسیری در خصوص چند آیه اول این سوره مرقوم فرمودند که در کتاب مکاتیب جلد ۱ مندرج است.

مقاله مورد نظر بیشتر به تشریح اصل ماجرا می‌پردازد که توأم با اهمّیت موضوع بیان می‌شود که چگونه مؤمنین به رسول اکرم مؤظف گردیدند روزانه ده بار مضمون پرمحتوا و سرنوشت‌ساز آیات این سوره را که درخواست مهمّ همه جوامع اسلامی از خدا است، تکرار کنند که بار خدایا، ما مسلمانان که فیض پذیرش پیام آور تو و توفیق استقرار در صراط مستقیم تو را یافتیم، رجا داریم که در آینده نیز این توفیق ادامه یابد و موفق به هدایت مجدد به این راه راست گردیم و مباد که مانند گروه غضب گشته و گمراهی (چون یهود و نصاری) که از پذیرش دعوت پیامبر استنکاف نمودند، ما نیز از نعمت ایمان به دعوت آنان محروم گردیم.

در این مقاله، اهمّیت این مفاهیم و لزوم تکرار آنها از طریق دیگری هم بیان خواهد شد که این رکن از نماز یعنی تلاوت سوره حمد بر خلاف سایر ارکان نماز جایگزینی ندارد و مکرر باید مفاد این سوره مبارکه یادآوری شود تا هرگز از یاد نرود.

دیگر از موارد قابل توجّه در مقاله، اهمّیت توصیه‌های این سوره از جهت هدایاتی است که از ائمه اسلام رسیده و مورد پذیرش همگانی است که این سوره، چکیده و

در توضیح مطالب پیرامون دیدگاه حضرت عبدالبهاء در باره «سعادت» سعی خواهد شد ارتباط و پیوندی با آن چه که در مقدمه این سخن ارابه گردیده؛ برقرار شود و در این رابطه موارد تشابه و یا افتراق میان بیانات هیکل مبارک و آرای پیشینیان به نحو اختصار بیان گردند. در پایان سخن چند جمله‌ای به عنوان جمع‌بندی مطالب ارابه شده و نتیجه‌گیری از آنان بیان خواهد گردید.

اگر کرم نبود دست ارتفاع را نمی‌آموخت

ملیسا وصالی

طبق بسیاری از دیدگاه‌های مذهبی و حتّی مادّی، آن چه که انسان را از حیوان متمایز می‌کند، اختیار او در اعمال و رفتار و انتخاب‌هایش است. رفتار انسان به اراده و اختیار و به راهنمایی عقل یا احساس خود اوست.

این تعبیر از دیدگاه موافقان دینی به قدری مورد تأکید قرار گرفته است که حتّی هدف از خلقت در مورد آدمی تجلّی صفت اختیار خداوند در وجود اوست تا بدین وسیله به اختیار خود، خداوند را پرستش و عبادت کند و به سبب وجود همین اختیار در عمل، در برابر رفتار خویش مسئول و پاسخ‌گو است.

انسان، طبق اعتقادات دینی‌اش ملزم به اجرای فرایض و مناسک دینی و هم‌چنین دوری از منهیات است و از طرفی با وجود بعد جسمانی در معرض خطا و گناه است و این‌جاست که باز هم به سبب داشتن قدرت اراده و اختیار، می‌تواند در مسیر بازگشت از خطا و توبه قرار بگیرد یا بارگناه را به دوش بکشد.

در این بحث، سعی بر این است که مفهوم گناه و توبه و امید به بخشش الهی از دیدگاه امر بهائی و پیش‌زمینه‌های آن از ادیان قبل مطرح شود و با ارایه نصوصی از کتب مقدّسه، این نتیجه عیان گردد که امید به فضل و بخشش الهی بسیار قوی‌تر از

اختصاص می‌یابد و البته اقدامات پیروان شیخیه (به مرکزیت کرمان) یعنی همان دشمن قدیمی امر حضرت باب که در برهه‌ای از زمان با ازلیان در جهت مخالفت با امر حضرت بهاءالله ائتلاف می‌نمایند، در این بحث از نظر دور نمی‌ماند.

در این جا ماهیت اقدامات این دشمنان امر که بنا بر اشارات آیات کتاب مستطاب اقدس جنبه پنهانی و مودیانه‌ای دارد، در کنار شدت و دامنه این معاندت‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

در کنار بحث اصلی یعنی معاندت ازلیان با امر حضرت بهاءالله و در ارتباط با ارض کاف و الزاء، اشاره‌ای هم به اقدامات سید مهدی دهجی (دهج دهستانی است تابع استان کرمان و از مراکز امریه آن) به عنوان محرک اصلی ناقض اکبر بر علیه مرکز میثاق خواهد شد و این‌که چگونه رفسنجان در نزدیکی کرمان ولو به طور موقت به یکی از مراکز نقض تبدیل می‌گردد.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که کرمان نه تنها به مرکز اقدامات دشمن خارجی امر یعنی شیخیه تبدیل می‌شود، بلکه به منزله کانونی برای فعالیت‌های دشمنان داخلی یعنی ازلی‌ها و اعوان و انصار میرزا محمدعلی قرار می‌گیرد.

بخش دوم آیات کتاب مستطاب اقدس از آن جا که ارض کاف و الزاء با کلمه لانتحزنی مورد خطاب قرار می‌گیرد، در بردارنده بشاراتی است در باره ظهور مردان بزرگی در آن سرزمین که به نصرت امر مبارک قیام می‌نمایند. از آن جا که این مردان بزرگ که با عنوان اولی باس شدید از آنها یاد شده، دارای نام و نشان مشخصی نیستند، در قسمت دوم این بحث در باره صفات ایشان که در آیات مذکور به آن موصوف شده‌اند، مطالبی ارائه خواهد گردید و هم‌چنین در باره زمینه‌های اجتماعی که می‌تواند در آن سامان ظهور چنین مردانی را فراهم آورد، بحث خواهد شد.

موضوع پایانی سخن، وضعیت کنونی شیخیه و ازلی‌ها در کرمان و وضعیت جامعه بهائی در آن سامان خواهد بود.

می‌پیوندد که چنان‌چه این فیض برای ابد پایان یافته تلقی شود، دیگر جایی برای این تقاضا باقی نخواهد ماند.

مسک‌الختم این بحث در مقاله، بیان و تشریح مصداق این فضل عظیمی است که بشارتش در این سوره نهفته و عجالاً یادآوری می‌شود که کتاب مقدسی که دو سوم مطالبش در آمادگی مؤمنین به وقوع نبأ عظیم و فضل اعظم است، بسیار بعید می‌نماید که در چکیده و خلاصه آن که به سوره حمد منتهی شده، علایم این بشارت بزرگ، علایمی در تعیین مصداق آن حدّاقل با کنایه و اشاره بیان نشده باشد. اما خوش‌بختانه، سه مورد اساسی به صورت اشاراتی ابلغ از تصریح در این سوره نهفته گشته که می‌توان آن را از وعود تحقق یافته این سوره مبارکه دانست. طوبی للعارفین!

معرفی مختصری از شرح بر الواح پارسی

علی اورنگ

در آثار جمال اقدس ابهی و غصن اعظمش؛ حضرت مولی‌الوری به ویژه در الواحی که به افتخار بهائیان پارسی نازل شده است، گاهی به مناسبت نام مخاطب لوح، به قهرمانان اساطیری، پادشاهان تاریخ باستان اشاره‌ای شده است که آشنایی با این اساطیر و اشخاص تاریخی و صفات آن‌ها به درک بیشتر مفاد و منظور طلعات مقدسه کمک می‌کند.

مقصود جمال اقدس ابهی یا حضرت عبدالبهاء از بیان این نام‌ها، ظاهراً وارد شدن به بحث اسطوره یا حتی تاریخ گذشته نبوده است؛ بلکه قصد آن است که مخاطب لوح را به صفاتی شایسته که به آن قهرمانان و بزرگان نسبت داده شده است، راهنمایی فرمایند و از او بخواهند که از هم‌نام خود پیروی کند و به آن صفات خود را بیاراید و اگر هم‌نامش احیاناً دارای صفاتی ناپسند بوده، از آن‌ها دوری کند و گرد

خلقش کرده است؛ نکوهش کسانی که به هیكل مبارک نسبت‌های ناروا می‌دهند؛ اما با ایشان دیداری ابداً نداشته‌اند؛ قانون طلائی که در سایر آثار مبارکه نیز مطرح شده است؛ لزوم اتحاد بین ملوک؛ انذار ملوک که مبادا به سلطان عثمانی تأسی کرده؛ مرتکب ظلم شوند.

در مناجاتی که در آخر لوح مبارک نازل شده و ملکه را امر می‌فرمایند که آن را تلاوت نماید، به او القا می‌شود که در مقابل خداوند، مملوکی بیش نیست و باید از حضرتش بخواهد که حجبات را خرق نماید تا او به فیض عرفان و ایمان نایل گردد و از خداوند بخواهد که او را از آنچه که به کنیزان مؤمنش عنایت کرده، محروم نفرماید. و در پایان، از خداوند رحمان می‌خواهد که او را به نصرت امرش مؤید دارد.

در این مطلب، سعی خواهد شد مطالب فوق، با استناد به آثار مبارکه و نیز وعود ادوار سالفه، مورد بحث و فحص قرار گیرد.

به درگاه پروردگار با سینه پاک از خواش و آرایش

فاروق ایزدی‌نیا

تردید نیست که خداوند از نماز گزاردن بندگان بی‌نیاز است؛ اما از چه روی او را می‌فرماید که هیچ بهانه‌ای برای نگزاردن نماز نپذیرد و تشویقش می‌کند که در حالت فروتنی و خضوع روی به درگاه خدا آورد و نماز بزرگ را در کمال روحانیت بخواند و به درگاه خدا راز و نیاز نماید؟

صلوات کبیر عنایت خداوند است در حق بندگان؛ نردبانی است که او را از بند زمین و زمینیان رهایی می‌بخشد و به آسمان تقرب مولایش می‌رساند. وسیله‌ای است که او را از خود فانی می‌سازد تا در وجود خدایش بقا یابد؛ او را کمک می‌کند تا به عهد نخستین وفا کند و رضای خدایش را بر رضای خود ترجیح دهد، اراده‌اش را در اراده محبوبش فنا سازد. صلوات کبیر، آدمی را از درد غربت در دنیای خاکی

- سقوط انجم
- نوحه اهل ارض
- ابن انسان سوار بر اسب از آسمان می‌آید
- لرزش ارکان ارض
- تحریف کتب مقدسه قبل
- آسمان و زمین زایل می‌شوند ولی کلام ابن انسان زایل شدنی نیست.
- موت و حیات
- جنت و دوزخ
- حشر
- ماء و روح
- نار
- تبدیل ارض
- استدلال‌های مبارک
- استفاده از آیات و احادیث مشترک با ایقان شریف به عنوان مهم‌ترین محتوای استدلال‌ها

- برهان الزامی مهم‌ترین صورت استدلالی هیكل مبارک است

- شواهد تاریخی از جمله مواد استدلالی است

- لحن کلام و نوع خطاب بسیار شبیه ایقان شریف است؛ ای برادر من - یا اخی

- مهم‌ترین شیوه درک و دریافت (Epistemological) قلب و دریافت باطنی است که از راه تصفیة درونی، سلوک عرفانی و البته تفکر و تأمل عقلانی حاصل می‌شود. ذکر وادی‌های طلب و توحید و حیرت و فنای فی الله و بقای بالله، وادی‌هایی که در هفت وادی ذکر شده، به صراحت در این اثر صورت گرفته که نسبت به ایقان شریف، صبغه عرفانی‌تری به اثر بخشیده است.

- انواع علوم و نوع مقبول آن در این مسیر اتقوا الله يعلمکم الله

- اخذ علم از معدن آن و نه از غیر

- مقامات توحید و تحدید مظاهر مقدسه

بررسی تطبیقی مفاد لوح مبارک جواهرالاسرار

با ایقان شریف

شهلا مهرگانی

در این بحث سؤالات زیر در باره لوح مبارک جواهرالاسرار و وجوه شباهت‌های این اثر مبارک با ایقان شریف مطرح می‌گردد:

۱. لوح مبارک جواهرالاسرار چه می‌گوید؟

- موضوعات مطروحه

- توضیحات و تفصیلات هر موضوع

۲. و این مطالب را چگونه می‌گوید؟

- استدلال‌های مبارک در هر دو اثر: الف) صورت استدلال و انواع آنها (ب) محتوا و مواد استدلال‌ها

- آیات و احادیث و وجوه کاربرد آنها در هر دو اثر

به نظر می‌رسد لوح مبارک جواهرالاسرار نیز هم‌چون ایقان شریف اثری با محوریت موضوع معرفت‌شناسی Epistemology است یعنی به معرفت و وسایل و محدودیت‌ها و آفات و آسیب‌های آن در سطوح و لایه‌های مختلف می‌پردازد:

مخاطب این اثر علی‌الاطلاق انسان است با ابزارهای انسانی که هدفش شناخت و تمیز حق است از غیر آن. در این اثر جمیل نیز هم‌چون ایقان شریف انسان بودن یک فرایند (یا یک Process) است که در روندی (procedure) به نام سلوک مرتباً در حال تکامل است. در این اثر نیز هم‌چون ایقان شریف انسان سالک دعوت به حرکت در مسیر ساختارشکنی (deconstruction) یعنی تطهیر قلب و ذهن از دیده‌ها و شنیده‌ها می‌شود که یک حرکت پدیدارشناسانه (phenomenology) است. به نظر می‌رسد که این مسیر گرچه برای هر سالکی برای اولین بار پیموده می‌شود، اما مسیری است معین با فراز و نشیب‌های مشخص که هیکل مبارک قصد دارند؛ برخی معضلات آن

و جواب در پرسش از وجوب آن می‌فرمایند؛ واجب نه، جناب اشراق خاوری در «تقریرات در باره کتاب اقدس» می‌نویسند که این وجوب شرعی نیست، وجوب تنزیهی است. (ص ۱۴۹) بنا بر تبیینات حضرت عبدالبهاء، مقصود و منظور اصلی و محوری این حکم، حصول وحدت و ایجاد محبت در بین احبب است که در ارتباط با هدف کلی ظهور و امر حضرت بهاء‌الله به نحوی غیر مستقیم، جنبه ضرورت و وجوب پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که ذکر عدم وجوب این حکم در رساله سؤال و جواب، مبتنی و متوجه بر همین هدف باطنی ایجاد یگانگی و مهرجویی است که مابین با اجرای اجباری و ظاهری حضور در ضیافت نوزده روزه می‌شود. حضرت عبدالبهاء طرح کلی برنامه جلسات ضیافت نوزده روزه را چنین بیان می‌فرماید: «مقصود از این ضیافت، الفت و محبت و تبث و تذکر و ترویج مساعی خیریه است؛ یعنی به ذکر الهی مشغول شوند و تلاوت آیات و مناجات نمایند» و در ادامه این بیان اضافه می‌فرماید: «در امور خیریه و اعمال بیه مذاکره نمایند.» و در شرح و تفصیل «ولو بالماء» که در آیه کتاب اقدس آمده؛ می‌فرماید: «اصل مقصود این سنوحات رحمانیه است و در این ضمن، بالتبع غذایی نیز صرف می‌گردد؛ تا عالم جسمانی مطابق عالم روحانی گردد و تن حکم جان گیرد.» (پیام آسمانی، ج ۱، ص ۱۷۰) افزودن پذیرایی به برنامه، گردهمایی را به مهمانی روحانی مبدل می‌سازد و به آن حالت دوستانه و مهرآمیز می‌بخشد. بنابراین، ملاحظه می‌شود که هر سه قسمت برنامه ضیافت نوزده روزه، مبتنی بر تبیینات مرکز میثاق است. حضرت ولی‌امرالله این نهاد را در پایه کاخ مشید نظم اداری قرار داده‌اند و بدین ترتیب، عموم اعضای جامعه بهائی را در ساختمان و جریان و حیات اداری جامعه شریک و سهمین نموده‌اند و مانع از آن شده‌اند که اعضای جامعه به دو گروه مجزا و مستقل تقسیم شود و نفوسی طبقه خاص اداری را تشکیل دهند. برخورد و معاشرت احبب با یکدیگر در محیطی دوستانه و مهرجویانه، افراد را در تأثیر و تأثر متقابل قرار می‌دهد و استمرار چنین برخوردها، قلوب اعضای جامعه را صرف نظر از مقام و موقعیت اجتماعی آنان به طور طبیعی به یکدیگر مجذوب و متحد می‌سازد و هم‌فکری، وحدت نظر و یک‌پارچگی در جامعه به وجود می‌آورد.

دیدار دلدار

مباحث عرفانی در لوح حکمت

فریدالدین رادمهر

لوح حکمت، بنا بر دانسته‌های ما، لوحی است فلسفی چه که مملوّ از نام‌های صنادید و بزرگان فلسفه است. خداوند، در لوح حکمت به زبان حکمت و فلسفه سخن گفته است و در جلالت مقام فیلسوفان، کلام را به کمال برده است. اما لوح حکمت، سرشار از مفاهیم عرفانی نیز هست و در جا به جای لوح، از همان نخستین آیات تا آخر لوح که به مناجات، رشته حرف به آخر رسیده است؛ می‌توان بر قواعد عارفان نکته‌ها دید.

فلسفه، دانایی است و عرفان به لغت، شناخت و معرفت است. از سویی در تاریخ نزاعی است میان اهل فلسفه و عارفان شوریده حال، و از سوی دیگر، ارباب نظر و انصاف سعی داشتند تا این دورا به یک سلک در آورند. فیلسوفی که عارف است و عارفی که تعقل، پیشه اوست، مخاطب لوح حکمت در گذر زمان است. به راستی، فلسفه، دوست داشتن دانایی است و عرفان در دل عشق و محبت عزم معرفت دارد و این دو اگر چه از دو مبدأ متفاوت حرکت خویش را آغاز می‌کنند؛ اما در نهایت به نقطه وحدت می‌رسند. هستند فیلسوفانی که عارف شدند و عارفانی که به زبان فلسفی سخن گفتند و این تأیید این معناست که:

جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جان‌های شیران خداست

تأکید جمال‌قدم در لوح حکمت، بر وحدت از این روست. آن‌جا که سخن از خلقت است، بحث از حدیث عرفانی کنت کنزاً به میان می‌آید. وقتی از سقراط و حدّث نظر او در فلسفه یاد می‌شود، بی‌درنگ جنبه شهادت او که رنگ عرفانی می‌یابد؛ تداعی می‌گردد. فیلسوفی چون افلاطون، بانی فلسفه اشراقی است و هرمس نیز در زمره حکمایی یاد می‌شود که مبدأ جنبش‌های صوفیانه و عارفانه است.

فرمودند و در جراید منعکس گردید، و ملاقات‌های ایشان با افراد سرشناس، به خوبی روشن می‌سازد که تحت تأثیر سفرهای حضرت عبدالبهاء و ترویج جهان‌گرایی توسط ایشان بود که بالاخره سازمان ملل متحد، که در حال کنونی، طرح ناقصی است از آن‌چه که حضرت عبدالبهاء توضیح و تشریح فرمودند، در همان محلی که تشکیل جلسات اولیه آن را پیش‌بینی فرموده بودند، تأسیس گردید. و صلح اصغر هم با تأثیری که منشور این سازمان در افکار دول و ملل عالم داشته و دارد، به وقوع خواهد پیوست.

بنابراین، لازم است که در باره این دو موضوع، غور و تعمق بیشتری به عمل آوریم و بتوانیم با ذکر شواهد و مدارک لازم دو موضوع فوق را به نحوی قابل قبول ارایه دهیم. و این خلاصه تحقیقاتی است که سعی خواهد شد ضمن دو جلسه به سمع شرکت‌کنندگان مجمع عرفان برسد.

استراتژی تبلیغ در خطابات عمومی حضرت

عبدالبهاء در غرب

ورقا طایفی

در خطابات عمومی خویش در غرب، مولای محبوب بی‌همتا، حضرت عبدالبهاء، به وضوح الگوی جامعی برای تبلیغ امر الهی برای ما به یادگار نهاده‌اند.

در این مقال به تحلیل کلام مثل اعلامی آیین بهائی در بیانات مبارکه ایشان در غرب به مخاطبین خویش از انحا و اقسام مختلف ناس، میزان تأکید ایشان بر مواضع مشترک و متمایز خویش با مستمعین، نحوه معرفی امر مبارک، مفاهیم و مضامین مورد تأکید و استفاده ایشان، طرق تعمیم و تسری مبادی و اصول امر بهاء، روش‌شناسی، استدلال و قضایای منطقی مورد علاقه و استفاده مبارک، انحصارگرایی و یا شمول‌گرایی، اختصار یا تطویل کلام، حکمت در رویکرد مبارک،

چه در مورد انسان و غرایز او و چه به عنوان ملت به عنوان عضوی از جامعه بشری پای فشرد.

مواردی که در این باره با توجه به خطابات مبارکه مطرح می‌باشد:

الف. تفاوت مفهوم ملت در این خطابات از پیش‌زمینه اسلامی آن به عنوان گروهی دینی یا قوم.

ب. اشتراک معنی کلمات ملت و وطن و نیز سیاست در این خطابات در گاهی موارد

ج. ملت در این خطابات مفهومی عقلانی است؛ لذا بر اشتراکات و شباهت‌ها بسیار تأکید شده و نیز هر علاقه غیرعقلانی را در این باب به عنوان تعصب مطرح فرموده و ردّ نموده‌اند.

د. ملت در این خطابات، مفهومی اعتدالی است به کاستی‌های آن برای آسایش عمومی تأکید شده.

ه. غیر رقابتی است؛ لذا هم مخالف اندیشه جنگ است؛ هم به شدت با برتری طلبی مخالف است و هم داروینیسیم اجتماعی را به عنوان بزرگ‌ترین خطا ردّ می‌کند.

و. تمرکزگرا نیست، هم دولت توتالیتر را ردّ می‌کند و هم ملت مرکزگرا و غیرفدرال را.

ز. ملیت را به عنوان وسیله اتحاد و ارتباط می‌نگرد و در نهایت نظرگاهش عالم به منزله یک وطن است.

علی‌هذا ملاحظه می‌شود که این مجموعه مفاهیم کاملاً در خدمت و هماهنگ با مفهوم دیانت بهائی یعنی وحدت است و آن مفاهیم موجود در میان مردمان مخاطب منبعث از تضاد تمدنی در حال تلاشی که ضمناً به این تجزّی کمک فراوان نموده. یعنی این دیدگاه، تمدنی جدید می‌سازد و آن دستاوردهای مدنی بشر را نابود می‌کند.

- و چون قرآن حاوی چنین آیاتی است، سراغ آنها را در تفسیرها و ترجمه‌ها، چون ترجمه تفسیر طبری، و در کتب مذهبی، چون کیمیای سعادت امام غزالی، به فارسی می‌توان گرفت.

- منبع دیگر مناجات‌ها، مناجات‌های عرفانی است که در نشر کتبی چون کشف‌المحجوب هجویری و رسایل فارسی خواجه عبدالله انصاری و اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی سعید که آنها را به وفور می‌توان یافت.

۳. از ائمه اسلام چون جانشینان حضرت علی، ادعیه و مناجات‌هایی باقی مانده، مانند امام محمدباقر - امام جعفر صادق و قبل از آنها، امام زین‌العابدین. مناجات‌ها و ادعیه امام زین‌العابدین علی بن حسین بسیار مورد مراجعه مسلمانان در ایران است که به نام صحیفه سجّادیه نام برده می‌شود و جواد فاضل آنها را به فارسی روان و شیوایی ترجمه و نشر کرده؛ حاوی ۵۴ فصل است. فصول اولیه در ستایش پروردگار و صلوات است. بعد دعاهایی که به مناسبت وقوع بعضی امور طبیعی خوانده می‌شود؛ چون هنگام شنیدن رعد یا وقت نظاره هلال ماه. علاوه بر آنها، ادعیه دیگری آمده که به طور عمده برای عرضه داشتن حاجات است؛ چون دعا برای رفع مظالم - دعا در دفع بلا - دعا در اظهار خوف و خشیت - دعا در رفع گرفتاری و سختی. دسته چهارم ادعیه آنها است که در حق دیگران است، چون دعا برای پدر و مادر - برای همسایگان - برای مرزداران اسلام - برای فرزندان.

۴. محمدباقر مجلسی، که عادت به تنظیم کتب بسیار حجیم دارد، کتاب زادالمعاد را ترتیب داد از ادعیه حضرت رسول و ائمه هدی که اکثر آنها در کتاب چندین جلدی بحارالانوار آمده است.

- گفتنی است که هر روز ماه و هفته، و هر ماه سال، فضیلت خاص خود و ادعیه مخصوص و اعمال خاص خود را دارد. چنان‌که کتاب زادالمعاد را با ماه رجب شروع می‌کند که به قول او، با ماه‌های شعبان و رمضان بهترین ماه‌های سال است و از موسی بن جعفر منقول است که: هر کس سه روز از ماه رجب روزه [در نوشته خطی روضه نوشته شده؟] بدارد، بهشت از برای او واجب گردد.

د) دانش و سیاست طبیعی در اکثر موارد سبب تفرقه است و قانون عقل مخالف آن است.

۲. عقل در همه انسان‌ها موجود است. (عقل سلیم)

الف) کمال انسانی، عقل سلیم است که قوه عمومی انسانی است.

ب) عقل، سبب اطمینان قلب است.

ج) عقل، مایه برتری بر طبیعت و کنترل آن است.

۳. جلوه‌های عقل در جامعه انسانی.

الف) اساس دین الهی را به جنگ پنداشتند و این مخالف عقل است.

ب) انسان عاقل توجه به عالم فانی نمی‌کند.

ج) جمیع انبیا و کتب الهیه و عقلای بشر متحد و متفقند.

د) پیامبران خورشید عالم افکار و قلوبند و عقل جدیدی به مردم می‌دهند.

ه) همه عقلای عالم طبیعت را ناقص و مستعد تربیت می‌دانند.

و) عقل و ادراک کامل باعث تأسیس احساسات روحانیه است.

ز) دیانت مطابق علم صحیح و عقل سلیم است و الا اوهام است و مایه اطمینان قلب نمی‌شود و ظلمت است.

از مجموع این صفات به نظر می‌آید که عقل مذکور در خطابات مبارکه همان عقل سلیم است؛ البته با رفع کاستی‌های تعریف آن در قرن هجدهم یعنی با حذف جنبه مخالف دین آن، تا هم مایه اطمینان قلوب و حفظ اعتدال و اتحاد جامعه انسانی باشد و هم بتواند در مقابل هجوم نیروهای مادی و طبیعی که در تمام قرن نوزدهم و بیستم سعی در تخفیف شأن انسانی داشتند، مایه حفظ جامعه انسانی و ترقی قلوب و عقول را فراهم کرده و آمادگی برای قبول دین الهی را فراهم نماید.

ذاکران، نیازمندان، محبان، شاکران، زاهدان که اگر فرصت شد، مجملی در آن باره در مدرسه سخن خواهد رفت.

- در مورد دعا در اسلام، محققان گفته‌اند (دکتر مؤمن) که بیشتر از مقوله درخواست چیزی از خداست. در حالی که از دیدگاه مسیحی، مناجات و دعا، گفتگو و مخابره با خدا - یا محبوب الهی است. آیین موسوی هم ادعیه و مناجات‌های خود را دارد که مشهورترین آنها در مزامیر، که شامل ۱۵۰ مزمور یا سرود است، آمده. مضامین این مزامیر ستایش خدا - التماس به درگاه الهی - ندبه - حق شناسی و سپاس‌گزاری - اعتراف به گناهان - درخواست کمک در برابر دشمنان و از این قبیل است.

- یگانه مناجاتی که از حضرت مسیح باقی مانده و مسیحیان اولیه، سه بار در روز می‌خواندند. در باب ششم انجیل متی آمده که با این عبارات نویدبخش آغاز می‌شود: «ای پدر ما که در آسمانی - نام تو مقدس باد - ملکوت تو بیاید - اراده تو چنان که در آسمان [جاری] است بر زمین نیز کرده شود...» الخ

۷. امر حضرت بهاء‌الله حاوی ادعیه و مناجات‌های بسیار متعدد و با مضامین متنوع است و تا حدی ادعیه عرفانی اسلامی را به خاطر می‌آورد. برخی از مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، یادآور مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری است؛ چنان‌که نمونه‌های آن مذکور خواهد شد. امر مبارک، مناجات‌های مخصوص کودکان، زنان، مبلغان و برخی گروه‌های دیگر جامعه دارد و از نظر مضامین بسیار متنوع است و کتب متعددی از مناجات‌های عربی، فارسی و ترکی تدوین و نشر شده است؛ چون نفحات الرحمن، اذکار المقربین، مجموعه مناجات، ادعیه حضرت محبوب، مناجات‌های مبارکه و غیر آن. و البته کتب ترجمه به زبان‌های بیگانه نیز فراوان است.

۸. در یک مجموعه انگلیسی از ادعیه و مناجات‌های حضرت بهاء‌الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء که در امریکا چاپ شده، نمونه ادعیه و مناجات‌ها در زمینه‌های زیر را می‌توان یافت (حدود سی گروه): مناجات‌ها و ادعیه اجباری، یعنی صلوات - مناجات‌های عمومی شامل طلب کمک، مناجات برای اطفال، برای متصاعدین - در زمینه انقطاع - مناجات‌های مخصوص شب - مناجات برای

جوهر مطلب آن که ختم رحیق مختوم از یک طرف اشاره به ابراز معانی بدیعه کلمات قبلیه است. معانی بدیعه ای که گویای حالات روانی و فکری عصر حاضر است و صاحب روح حیوانی است که موجب بروز جواهرات معانی از معدن عالم انسانی می گردد؛ قوله تعالی: «این ظهور لاجل ظهور جواهر معانی از معدن عالم انسانی ظاهر شده» (حضرت بهاء الله، لوح مقصود) و هم چنین می فرمایند؛ قوله الاحلی: «لا تحسبن انا نزلنا لکم الاحکام بل فتحنا ختم الرحیق المختوم باصابع القدره والافتدار» (اقدس - بند ۵). لذا ختم رحیق مختوم از یک طرف اسباب نفاق، تعصب، کوته نظری و افراطی گرایی را که به سبب تمسک به «صورت» کلماتی که فاقد معنی و روح حیات است، ایجاد می گردد، را بر طرف می سازد و از طرف دیگر، اسباب ارتفاع به مدارج عالیة معرفت و کمال را فراهم ساخته - علت بروز و ظهور جواهرات روحانی از معدن عالم انسانی می شود.

مفهوم عقل در خطابات مبارکه

ایرج شکور

در این مبحث به بررسی نحوه استفاده از این مفهوم در خطابات مبارکه می پردازیم و توضیح می دهیم که مفهوم عقل در خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء بیشتر به عقل سلیم یعنی فهم مشترک عام افراد انسانی اشاره دارد و روش بررسی آن استفاده از صفات عقل و نتایج آن است که در این خطابات به آن اشاره شده است.

سابقه تاریخی:

قرن هجدهم اروپا که به عصر روشنگری نیز در تاریخ شهره است، در اصل به این مفهوم بنیادی تکیه داشت که وجه ارتباط و میزان نهایی در فهم چیستی امور و از آن مهم تر قضاوت در باره مفید یا بی فایده بودن هر پدیده ای، عقل انسان به مفهوم فهم

چرا باید آن را با بیان حاجات شخصی و درخواست اجابت آنها از پیشگاه پروردگار آغشته کرد و پاکی و صفای آن را به هم زد؟ شاید جواب این سؤال را بتوان در تحقیقی که تلامذه ژان پیازه در باره مناجات و دعا نزد کودکان کرده اند، پیدا کرد. در کتاب روان شناسی دین، برخورداردی تجربی (۲۰۰۳) می خواندم که در سنین ۵ - ۷ سالگی کودک همان فرمول های دعایی را که از پدر و مادر آموخته، تکرار می کند. در فاصله سنین ۷ تا ۹ سالگی، دعا و مناجات هدف محسوس و عینی پیدا می کند؛ یعنی یک درخواستی شخصی از خدا می شود؛ مثلاً خواستن چتری که بچه دوست دارد. در فاصله ۹ و ۱۲ سالگی دعا بیشتر جنبه تجریدی و انتزاعی پیدا می کند و پیش از آن که درخواست چتری خاص باشد، مکالمه با خدا می شود و دعای نزدیک تر شدن نجوا. پس به گفته محققان به میزانی که انسان در سن و سال و عقل و فهم رشد می کند، دعاهای او از جنبه عینی و حتی مادی به سوی جنبه تجریدی و انتزاعی تحوّل می یابد. ابراز عشق جای درخواست شیء را می گیرد.

در آثار بهائی آمده که انسان باید خود را به اراده خدا بسپرد و از خدا بخواهد که آن چه مشیت اوست نه خواهش فرد، روی دهد و فرد قادر باشد که به آن گردن نهد. اما باید متذکر بود که ادعیه بیان حاجات مانند طلب شفا و مخصوص حاجات دیگر در نصوص مبارکه فراوان است و در مرتبت انسانی که ضعیف و نیازمند و در همه حال در معرض انواع امتحانات و خطرات است از آنها اجتناب نمی توان کرد.

۱۱. از مباحث لطیفی که می توان بدان پرداخت، بیان تفاوت های عمده میان ادعیه و مناجات های حضرت بهاء الله - حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی ربّانی است که اگر فرصت اجازه دهد، در کلاس مطرح خواهد شد.

و هم چنین بحثی خواهیم داشت از اجزای اصلی یک مناجات نوعی، یعنی ساخت عمومی مناجات ها به قیاس مناجات هایی از حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء؛ مثلاً در یک دعای شفا که از صفحات ۱۸۱ - ۱۸۰ ادعیه محبوب آمده، ۶ عنصر می توان یافت:

۱. اشاره به نیاز یا طلب شفا

۲. توسل به اسما و صفات الهی از جمله فضل و رحمت و نفوذ کلمه

مفهوم استمرار ظهورات الهیّه

در آثار حضرت نقطه اولی

حبیب ریاضتی

دو اصل استمرار و وحدت از جمله ارکان اصولی جمیع ادیان الهی بالخاص، دو آیین بانی و بهائی محسوب می‌گردند. اصل استمرار ظهورات الهیّه مبنی و بر اساس استعدادات عالم انسان، در آثار حضرت نقطه اولی در تحت عناوین و مفاهیم متعدّده تأیید و تأکید گردیده است تا شاید اهل عالم با درک اصل وحدت در کثرت و لزوم نسبیت بر اساس روابط ضروریّه مبعث از حقایق اشیا، از تمسک به سبحات جلال خاتمیت، آخریت، اشرفیت و اکملیت یک ظهور، از اصل اصیل استمرار ظهورات کمالیّه الهیّه محروم نگشته به ثمره خلقت و حیات عرفانی خود که عبارت از عرفان مظهر مشیت الهی در ظهورات بعدی و وصول به رضوان بدیع اخری الهی است، فایز گردند.

هدف این تحقیق آنست که اهمّیت این مفهوم اساسی یعنی اصل استمرار و وحدت را در اهمّ آثار حضرت نقطه اولی و بالخاص در بیان فارسی (امّ‌الکتاب شریعت بیان) که به عبارتی من البدو الی الختم در باره دو اصل استمرار و استقرار (ثبوت و وحدت) ظهورات الهیّه است، مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

مفهوم ختم رحیق مختوم در آثار حضرت نقطه اولی

حبیب ریاضتی

از جمله شئون تنزیلی در آثار حضرت نقطه اولی، شأن تفسیر آیات نازله در صحف ادیان قبل است. در ضمن این تفاسیر، حضرت ربّ اعلی کلید و رموز درک حقایق مستوره را عرضه نموده تا هر نفسی به اندازه فهم و درک خود به جواهر معانی

۳. آیین سخنوری مرحوم فروغی، که اخیراً با ویراستاری محمّد محمّدی تجدید چاپ شده (۱۳۸۹)، شامل چهار مقاله است: ۱) کلیّات در باره معنی سخنوری و تاریخچه پیدایش آن و موضوع بدعت. ۲) مقاله در مراحل سخنوری از سخن آفرینی تا تنظیم سخن و تعبیر بالاخره ادای سخن. ۳) اقسام سخنوری که شامل سیاسی، قضایی، نمایشی، علمی و منبری می‌شود. ۴) و بالاخره مقاله چهارم که از جمله در باره چگونگی سخن برای اقناع، دل‌نشینی، ترغیب و تهییج و نیز صفات سخنور گفتگو می‌کند. به عنوان جلد دوّم، نمونه‌هایی از خطابه‌های معروف در تاریخ سخنوری آورده شده؛ از دوران دموستن و سیسرون تا سخنوران بنام بعدی فرانسه و برخی دیگر.

۴. گفتنی است که آن‌چه حضرت بهاء‌الله در برخی الواح، چون لوح مقصود، در مورد بیان و کلمه و شرایط آن فرموده‌اند، بیشتر به آن زمینه‌ای که امروزه communication خوانده می‌شود؛ مربوط می‌شود (خصوصاً برای تبلیغ امرالله) فقط در موارد محدود از قواعد سخنوری چون رعایت احوال و مقتضیات نفوس مخاطب و لزوم توجه به جنبه تربیتی کلام و اعتدال در سخن، یعنی رعایت حکمت و مدارا و مماشات با مخاطبان در آنها توضیح داده شده است.

۵. حضرت عبدالبهاء در بیانی اشاره می‌کنند که در ابتدا آماده سخنوری نبوده‌اند و با توجه به ملکوت ابهی و نزول تأییدات الهی در اروپا و امریکا موفّق به ابلاغ کلام الهی شده‌اند. در یادداشت‌های جناب بدیع بشرویی در ارتباط با وقایع ۱۴ جولای ۱۹۱۵ از قول حضرت عبدالبهاء آمده: من که به اروپا رفتم، هیچ نطق نکرده بودم؛ زیرا در شرق رسم نیست؛ ولی در بحر نطق افتادم. حال هر یک از احبّای الهی به هر سمتی بود؛ افواج تأیید به او می‌رسد. در وقت صحبت فکر نکنید؛ آن‌چه بر قلب شما القا می‌شود، آن را بگویید «نقل قول از حضرت مسیح خطاب به حواریون» البتّه در خضوع و خشوع آن حضرت، احدی از احبّا تردید نمی‌کند؛ اما در عین حال باید گفت که سنّت ایراد خطابه در ایران زمین و در ادبیات آن، چنان‌که گفتیم، بس فقیر بوده و توجه به ادبیات کتبی بسیار بیش از ادبیات شفاهی بوده است «نقالی،

دانش مبتنی بر ایمان و وحی و تنزیل آیات را ارج می‌نهند و کمال معرفت انسانی را در آن می‌بینند؛ به نوعی از اصالت تعقل نیز اعتقاد دارند که در حدّ خود کاشف حقایقی از مراتب وجود است.

هر چند فلسفه اگزیستانسیالیسم یا فلسفه وجود که هستی انسان را در مرکز همه فضاییای عالم هستی قرار می‌دهد؛ پس جنگ جهانی اول در آلمان ظاهر شد و در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا طرفداران فراوانی پیدا نمود؛ اصول اساسی این فلسفه که بر محور آزادی و اختیار انسان دور می‌زند؛ از اصول نظریات حضرت عبدالبهاء در شناخت مقام و موقعیت انسان محسوب می‌گردد و مندرجات عمده بسیاری از آثار آن حضرت را تشکیل می‌دهد. در این میان، تفکرات فلاسفه متأخر اگزیستانسیالیسم که پیشرفت افراطی در صنایع و تکنولوژی را خطری جدی برای محو هویت و منقبت خاصّ انسانی می‌دانستند؛ می‌تواند سابقه‌ای در آرای حضرت عبدالبهاء در لزوم هماهنگی مدنیت مادی با فرهنگ معنوی داشته باشد. در همین زمینه، آرای عده‌ای از اندیشمندان اگزیستانسیالیسم در ردّ حکومت‌های استبدادی، فاشیسم و کمونیسم که اختیار و آزادی انسان را در مساعی فردیش محدود می‌سازد؛ با جهان‌بینی حضرت عبدالبهاء در تأکید بر اختیار و آزادی انسان توافق دارد؛ چه آن حضرت اصل مشورت را در جمیع امور سیاسی و اجتماعی انسان ارج می‌نهند و قوه مطلقه محدود در رهبری انحصاری را مطلوب نمی‌شناسند.

صحنه فلسفه در جهان اسلام، شاهد حضور و نقش اساسی آرای رواقیان، مشائیان و اشراقیان است. در عین حال، در فلسفه اهل تشیع که مآخذ رای شیرازی از علمداران بنام آن است؛ حکمت اشراق و حکمت مشاء و فلسفه عرفانی ابن عربی در هم می‌آمیزد و حتی حقایق ذوقی راه به عالم فلسفه می‌یابد و با براهین اهل حکمت عرضه می‌گردد. در آثار حضرت عبدالبهاء که غایت اصالت و حکم نهایی به کلمه الله و حکمت مودوعه در کلمه مظاهر وحی داده می‌شود؛ آرای از حکمای

۸. اغلب خطابه‌ها طولانی نیست و اکثراً متمرکز بر یک موضوع است.
۹. توجه به شرایط نفوس مخاطب دارند؛ مثلاً خطابه در دارالفنون کلارک بستان در ذکر منقبت علم و مقام علما و تأثیر علم در وحدت عالم انسانی است. در مجلس اسپرانتیست‌های اسکاتلند سخن از فایده اتحاد - ضرر اختلاف و اهمّیت لسان عمومی است.

۱۰. از سجایای مهمّ خطابات مبارکه ائکا روی استدلالات عقلی است که بیانات آن حضرت را از سخنوری منبری به کلی متمایز می‌کند. مرحوم فروغی به درستی می‌گوید: «کسانی که بر منبر می‌روند، اگر عالم نباشند - وغالباً این چنین بوده است - البته سخن‌هایی می‌گویند که با حقیقت دین و پاکی اخلاق سازگار نیست. بنابراین مردم را گمراه می‌کنند ... و بدیهی است که اگر مردم در گمراهی باشند، دین قوت نخواهد داشت.» (نشر تازه، ص ۱۴۱)

۱۱. نفوذ و تأثیر عمیق سخنان حضرت عبدالبهاء بر روی حضار که علاوه بر شخصیت استثنایی آن حضرت ناشی از چند عامل بوده: (۱) تازگی کلام و اهمّیت پیام (۲) منطق روشن و سلیم (۳) ایمان و اخلاص (۴) روحانیت خاصی که از آن حضرت متشعشع بود (۵) محبت خالص به نوع انسان.
۱۲. توجه آن حضرت به ملکوت ابهی؛ طلب تأیید.

تفاسیر قرآنیّه

وحید رافتی

در بین آثار نازله از قلم حضرت ربّ اعلی، تفسیر و تأویل آیات و سور قرآنیّه، مقام بارزی دارد و آثاری نظیر تفسیر سوره بقره، سوره یوسف، سوره کوثر و سوره العصر از مهم‌ترین و مشهورترین آثار آن حضرت محسوب می‌گردد.